



دوازده سال کوشش ثمربخش

مرکز ایران‌شناسی در قفقاز



روسیه، زبان و فرهنگ روسی در قفقاز تا حدی رخنه کرد که امروزه، در اکثر مراکز تحقیق جهان، قفقاز را در قلمرو پژوهش‌های روسی و اسلاوی به مطالعه می‌گیرند. گواه این کیفیت، صرف نام «ماوراء قفقاز» است. این اصطلاح وارداتی ترجمه تحت لفظ از Transcaucasus به معنای «آن سوی [جبال] قفقاز» و عنوانی است که روسها، و به تبع ایشان دیگر اروپاییان، به این سرزمین داده‌اند. از دیدگاه ما ایرانیان، قفقاز باید «ماوراء ارس» باشد نه ماوراء قفقاز که این روزها ورد زبان‌ها شده است.

باری، اکنون که از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی سالها سپری شده، قفقاز جنوبی در هیئت سه جمهوری گرجستان و ارمنستان و «آذربایجان» به استقلال رسیده است. ولی جو دوران به گونه‌ای است که این جمهوریها پس از استقلال نویافته بیدرنگ در فهرست کشورهای اروپایی ثبت نام کرده و چشم به آینده‌ای بهتر در آن سوی کوههای سربه فلک کشیده قفقاز دوخته‌اند. با وجود این، عقبه مغناطیس قطب‌نمای فرهنگ قفقاز، اینک نیز همچون گذشته، به جانب جنوب نیز گوشه چشمی دارد و آن گروه از دانیان قفقازی که با پیشینه وطن خویش الفتی دارند و در شناسایی ریشه‌های فرهنگ خویش چشم بصیرتی هويت خود را در حوزه تمدنی غیر از قاره اروپا نیز می‌جویند.

گام استواری در این راه دشوار برداشته شده و آن تأسیس «مرکز ایران‌شناسی در قفقاز» (Caucasian Center for Iranian Studies) است. این بارگاه دانش و اندیشه در شهر ایروان، پایتخت جمهوری ارمنستان، به سال ۱۹۹۶م بنیاد گرفت. مؤسس و مدیر آن، دکتر

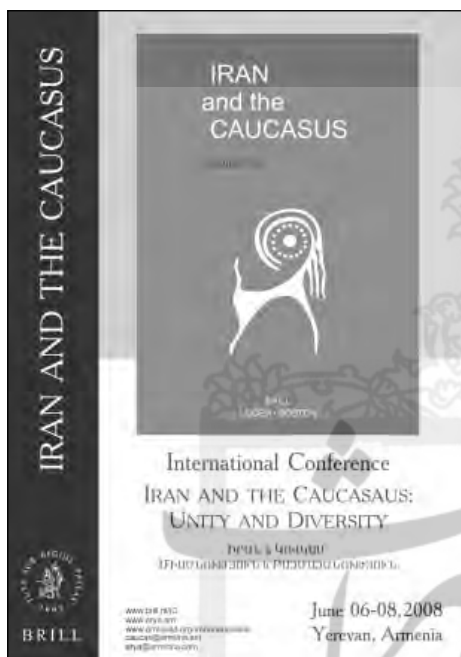
جهان ایرانی از جانب شمال باختری تا جبال بزرگ قفقاز — همان کوه قاف افسانه‌ها — می‌رسد و به واسطه این سد بلند از دشتهای فراخ و هامونی روسیه جدا می‌شود. قفقاز نه فقط از نظر جغرافیایی طبیعی دنباله فلات ایران است، بلکه از نظر تاریخی و فرهنگی نیز از ایران‌زمین جدا نیست. نواحی اران و شروان از همان آغاز تاریخ جزئی تفکیک‌ناپذیر از ایران به شمار می‌آمد. سرزمین داغستان با همه تنوع قومی و زبانی و فرهنگهای رنگارنگ محلی که داراست، از فرهنگ و ادب رسمی ایران مهر و نشانهای بسیار دارد. مطالعه تاریخ و فرهنگ ارمنستان بدون منظورکردن آن در حیطه ایران بزرگ راه به جایی نمی‌برد و ارمنی‌شناسی رشته‌ای وابسته به ایران‌شناسی است. گرجستان نیز گذشته دور و نزدیکش در دوره‌های مختلف با سرگذشت ایران پیوند عمیق خورده است. در شمال مرزهای گرجستان جمهوری کوچک استیا در فدراسیون روسیه قرار دارد که ما فارسی‌زبانان باید آن را «ایرستان» بخوانیم — همان نامی که صاحبان ایرانی زبان آن خطه بر میهن خود نهاده‌اند. از اینها گذشته، حضور اقوام ایرانی زبان کرد و تات و طالش در قفقاز این منطقه را برای مردم‌شناسان و زبان‌شناسانی که از منظری ایرانی به پژوهش می‌پردازند، واجد اهمیت ویژه می‌سازد.

با این همه، نزدیک دو قرن است که رشته‌های مودت قفقاز با ایران رو به سستی نهاده و در مواردی پاک گسیخته است. از آغاز سده نوزدهم که قفقاز طعمه مطامع توسعه‌طلبی روسیه شد و عاقبت به تصرف آن درآمد، روابط دیرین ایران و قفقاز دستخوش تزلزل گشت و تا میزان ناچیزی تنزل یافت. گذشته از استیلای سیاسی



است که در سال ۱۳۸۵ش برگزار شد. همایش آینده تحت عنوان «ایران و قفقاز: وحدت و تنوع» قرار است با حمایت مرکز در دانشگاه بین‌المللی آریا در ایروان، از ششم تا هشتم ژوئن ۲۰۰۸م، برگزار شود. اما مهمتر از همه سه گروه انتشارات است که «مرکز» وجهه همت خود ساخته و تاکنون در اجرای آن موفق بوده است:

۱. مجله ایران و قفقاز، ۲. مجله ایران‌نامه، ۳. کتابها و رساله‌ها.



ایران و قفقاز

ایران و قفقاز (Iran & The Caucasus) مجله‌ای است نیمسالانه مشتمل بر مقالات تحقیقی و نقد کتاب به زبان‌های انگلیسی و گاه آلمانی و فرانسوی که از سال ۱۹۹۷م تاکنون انتشار می‌یابد. در دیباچه شماره نخست می‌خوانیم: «سلسله انتشارات مرکز ایران‌شناسی در قفقاز انگیزه‌ای صرفاً پژوهشی دارد و هدف آن بازسازی تار و پود کمابیش آسیب‌دیده منطقه‌ای است که روزگاری واحدی یکپارچه به شمار می‌رفت.»

جای چنین مجله وزینی در مطالعات ایرانی قویاً احساس می‌شد، چرا که جراید این رشته اندک و انتشار اکثر آنها نامنظم بوده است. ایران و قفقاز، طیف گسترده‌ای از مطالب از باستان‌شناسی و تاریخ تا زبان و

گازتیک آساتوریان، استاد کرسی مطالعات ایرانی در دانشگاه دولتی ایروان و از ایران‌شناسان بنام جهان است.

باید افزود که مطالعات ایرانی در ارمنستان مسبوق به سابقه‌ای طولانی است و از همان اوایل تأسیس این جمهوری به همت علامه فقید، هراچیا آچاریان، در دهه ۱۹۲۰م به راه افتاد. این مطالعات در طول هفتاد سال حاکمیت شوروی پیوسته فعال و زاینده بود و به مدد مراد و داد و ستد با دیگر کانونهای ایران‌شناسی در اتحاد شوروی سنت استوار و پایداری در این عرصه در ایروان به وجود آمد. با این همه در آن روزگار ایروان تحت شعاع کانونهای نیرومندی چون مسکو و بالاخس لنینگراد — که غالب ایران‌شناسان ارمنستان درسخواندگان مکتب درخشان ایران‌شناسی آنجا بودند — قرار می‌گرفت، و کمتر در مقام یک مرکز مستقل شناخته می‌شد. در ده پانزده ساله اخیر، با فراگیر شدن مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی که دامنگیر سرزمینهای شوروی سابق شده است، دیگر از آن جنب‌وجوشی که در مراکز علمی روسیه و سایر جمهوریهای شوروی برقرار بود، اثر چندانی باقی نمانده است. تنها استثنا ارمنستان است که در آن چراغ دانش ایران‌شناسی نه تنها فرو نمرده است، بلکه فروزانتر از پیش خودنمایی می‌کند. در امر تحقق بخشیدن به این کیفیت، «مرکز ایران‌شناسی در قفقاز» دخالت اساسی داشته است.

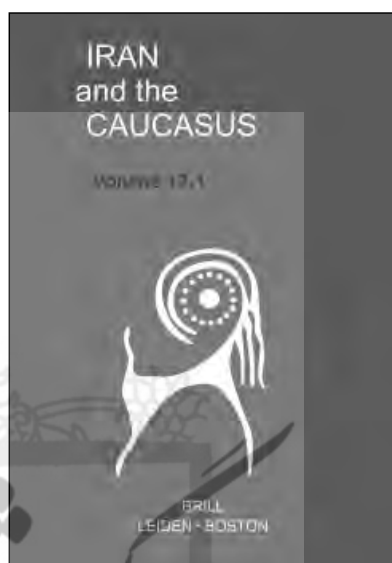
مرکز ایران‌شناسی در قفقاز نهادی غیردولتی است و این اهداف را پیگیری می‌کند:

۱. هماهنگ کردن مطالعات ایرانی در منطقه قفقاز؛
 ۲. سازماندهی و ارتقای سطح ایران‌شناسی در ارمنستان؛
 ۳. تسهیل همکاری فعال میان خاورشناسان جامعه کشورهای مستقل (اتحاد جماهیر شوروی سابق) و ایجاد ارتباط با مراکز خاورشناسی سایر کشورهای جهان؛
 ۴. کوشش در زمینه فعالیتهای صلحجویانه در منطقه.
- در اجرای این هدفها برگزاری کلاسهای آموزشی و نشستها و همایشهای پژوهشی در رشته‌های تاریخ، زبان و ادبیات، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، ادیان و جز آن در برنامه کار مرکز بوده است. از جمله همایشهایی که در مرکز یا با حمایت آن برگزار شده دومین مجمع «انجمن پژوهش در جوامع فارسی‌زبان» (ASPS) در سال ۱۳۸۳ش است. دیگر، کنفرانس مطالعات طالشد



ادبیات و جامعه‌شناسی را در بر می‌گیرد و به‌ویژه ضعف مطالعات جاری را در رشته‌های فرهنگ عامه، مردم‌شناسی و گویش‌شناسی جبران می‌کند.

ایران و قفقاز در آغاز به نفع «انتشارات بین‌المللی مطالعات ایرانی» در تهران منتشر شد، لیکن از سال پنجم (۲۰۰۱م) انتشارات معروف بریل در هلند طبع و توزیع آن را به عهده گرفت و این امر گواه است بر توفیق و اعتبار مجله. شماره دوم از سال یازدهم ایران و قفقاز اخیراً منتشر شد. (این مجله در آینده معرفی خواهد شد.)



ایران نامه

نشریه دیگر ایران‌نامه «مجله پژوهشی خاورشناسان جمهوری ارمنستان» به زبان ارمنی است. ایران‌نامه در سال ۱۹۹۳م به مدیریت دکتر آساطوریان به عنوان مجله‌ای دوماه به انتشار آغاز کرد و از ۱۹۹۶م در ردیف سلسله انتشارات مرکز ایران‌شناسی در قفقاز درآمد. گفتنی است که مقالات این مجله، علاوه بر ایران، به عموم مسائل تاریخ و فرهنگ ارمنی نیز می‌پردازد و از این لحاظ هم در زمره معتبرترین جریدات ارمنستان است. در زیر نمونه‌ای از مندرجات ایران‌نامه در سالهای اخیر نقل می‌شود.

بهسازی کتابهای درسی فارسی در مرکز ایران‌شناسی در قفقاز برای دبیرستانهای ارمنی (لوسیا غازاریان)؛ از تاریخ مطالعات در باب ارامنه مسلمان در هامشن (سرگی واردانیان)؛ تاریخچه رسانه‌های فارسی‌زبان ارامنه ایران

(لارا شیخویان)؛ رسوم وابسته به تولد در اعتقادات ارمنیان ایران (آلوارد آواکیان)؛ مینیاتورهای منظومه خسرو و شیرین جامی (رایا امیربکیان)؛ قبیله کردنژاد و ترک‌زبان کولانی در آرتساخ (قره‌باغ) (ساموئل کاراپتیان)؛ ترجمه «رجل سیاسی» جمال‌زاده؛ مرزهای هجدهمین استان هخامنشی (مراد اوهانیان)؛ آخرین وصیت‌نامه اسقف ارامنه در تبریز؛ شواهد قوم بلوچ در شاهنامه (واحه بویاجیان)؛ شعر: ملهم از حافظ (مکرتیج گریگوریان).

کتابها و رساله‌ها

سومین گروه از انتشارات «مرکز ایران‌شناسی در قفقاز» کتب و رسالات و مجموعه‌های مقالات است که به زبان‌های روسی، ارمنی، فارسی یا انگلیسی منتشر می‌شود. کتاب‌های زیر به چاپ رسیده یا در دست چاپ است:

مبانی تشیع: بررسی کوتاه (ویکتوریا آراکلیوا)؛ طریقت درویش: گفته‌های پنج شاعر روس در باب ایران و فرهنگ آن (ر. آنگالادیان و گ. آساطوریان)؛ تحولات سیاسی در گرجستان (ایگور مرادیان)؛ منافع جغرافیایی - اقتصادی و پروژه‌های ارتباطی در منطقه قفقاز و خزر (ایگور مرادیان)؛ جستارهایی در قوم‌شناسی ایرانی (گارنیک آساطوریان)؛ داغستان و جهان ایرانی (محمد حسن‌اف)؛ ایران و جهان ترک: رویارویی جغرافیایی - تمدنی (ایگور مرادیان)؛ مطالعات عربی (مجموعه مقالات)؛ خودشناسی ملی (روین آنگالادیان)؛ قانون اساسی و نظام حکومتی جمهوری اسلامی (اونیک پهلوانیان)؛ دودمان زاخاریان در تاریخ ارمنستان و گرجستان (ه. مارگاریان)؛ ارمنی و زبانهای ایرانی نو: زبان و تاریخ؛ زازا - یک قوم ایرانی ناشناخته (گ. آساطوریان)؛ تاتهای ارمنستان: قوم و زبان (س. کالتاخچیان)؛ فرهنگ اشتقاقی کردی (انگلیسی، گ. آساطوریان)؛ افسانه‌های طالشی؛ گورانی‌ها: تاریخ و فرهنگ قومی (وارطان وسکانیان)؛ رستم و زال در زبان کردی: درآمد، متن، ترجمه، تحشیه و لغات.

از مهمترین کتابهای در دست تهیه «فرهنگ اشتقاقی زبان فارسی» در دو جلد به زبان انگلیسی است. این پروژه پنج‌ساله به‌تازگی آغاز شده است و ناشر آن بریل در لایدن هلند خواهد بود.

حبیب برجیان